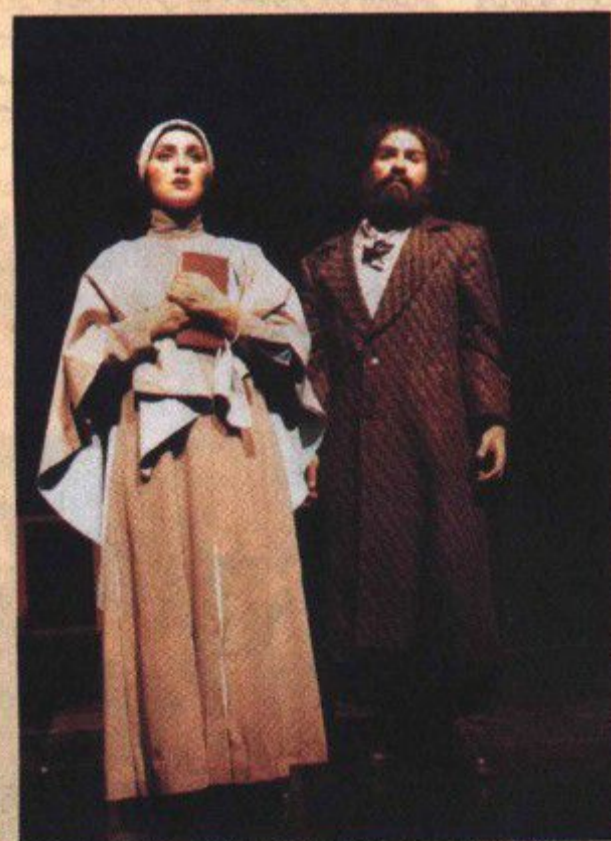


تئاتر باید حرف دل مردم را بزند



گزارش

دریچه ای به تئاتر نوین

صفحه ۲

گفت و گو

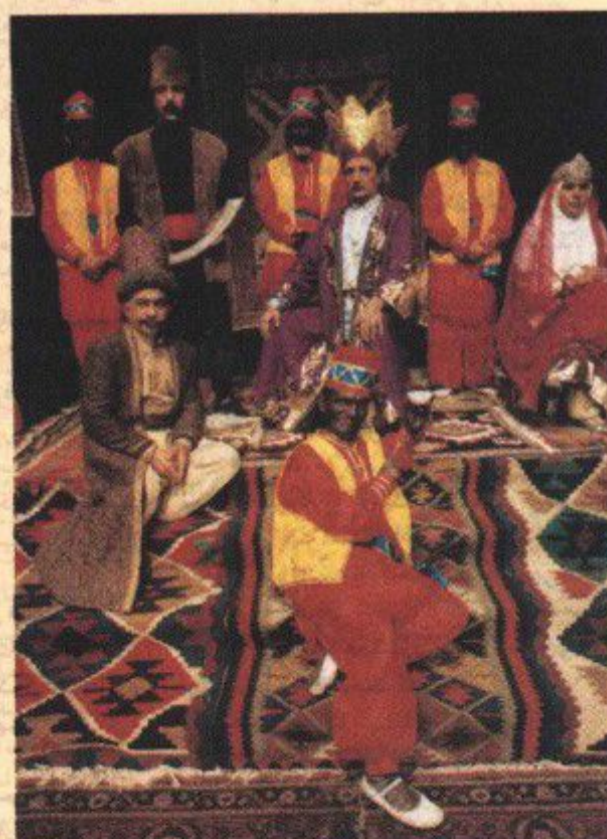
به دور از کلام زدگی

صفحه ۴

نظر خواهی

چرا سینما را به تئاتر ترجیح می دهند

صفحه ۷



دکتر کنوپ همچنین در ادامه گفت: البته در چنین ارتباطاتی باید دیدگاهها و نظرات مردم برلین را نیز در نظر گرفت. زیرا ما تنها خواستار تبادلات فرهنگی هستیم که در بالاترین و بهترین کیفیت ممکن است عرضه شود و از نظر فرهنگی وجهه مثبتی داشته باشد.

اساساً یکی از رویکردهای فعالیت این خانه فرهنگ نیز آگاهی و آشنایی مردم با فرهنگها و ایجاد میل و رغبت و تشویق عامه مردم نسبت به تحولات فرهنگی سایر کشورهاست. چرا که در برخورد با فرهنگ است، که هویت واقعی هر فرهنگ آشکار می‌گردد.

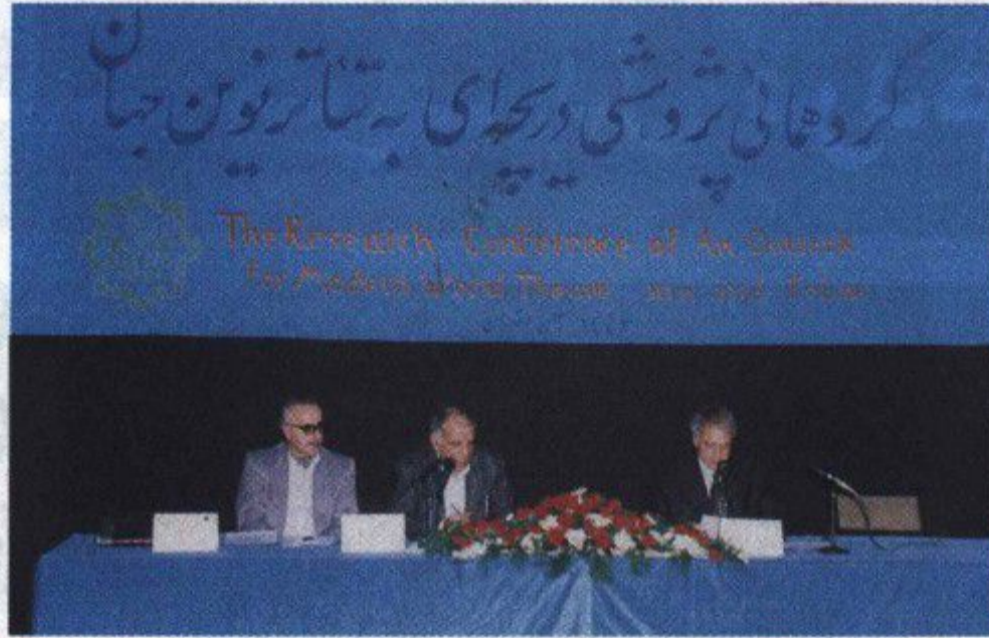
در این بررسی، همچنین تحولات و تغییرات اروپا و آمریکا را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. تغییراتی که همپا با مهاجرت انسانها از کشورها و قاره‌های مختلف به وقوع پیوسته است.

البته از سوی دیگر همین مهاجرین، اغلب پس از مهاجرت، به فرهنگی گرایش دارند که نه فرهنگ صرف کشور آنهاست و نه به تمامی فرهنگ کشور مورد مهاجرت آنها، بلکه فرهنگ بینابینی است که تنها مسیر مهاجرت در آن نقش داشته است. این مورد خاص را می‌توان مثلاً در موسیقی‌های این مهاجرین به بارزترین شکل ممکن مشاهده کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: امروزه دنیای هنر چون، موسیقی، رقص‌های سنتی، تئاتر، فیلم، نقاشی، هنرهای تجسمی، شعر و هنرهای دیگر مزرعه‌های مذهبی و ایدئولوژیک را درنوردیده است و همین دلیلی شده است برای برداشتن موانعی که زمانی موجب تبعیض‌ها و عدم آگاهیها بوده است. نمی‌بایست به دلیل پیشرفت‌های اقتصادی حصارهای دور خود بوجود بیاوریم و زندگی جزیره‌ای داشته باشیم.

ما در دنیای امروز ناگزیر از شناخت و ارتباط با یکدیگریم. قطب بندی جهان به شرق و غرب البته برای هیچکدام ما نتیجه جالب و مثبتی نخواهد داشت. داریوش مؤدبیان - بازیگر و کارگردان - نیز ضمن سخنرانی درباره پایان قرن، سرآغاز شناخت تئاتر نوین جهان به اجرای برنامه و هدایت پرسش و پاسخ حضاران در جلسه پرداخت.

گزارشی از سمینار دریاچه‌ای به تئاتر نوین جهان



هنجارهای یکدیگر را بهتر خواهیم شناخت. چنین تجاربی در عین داشتن وجه روشنفکرانه، باید منطقی هم باشد.

چنین ارتباطی البته برعهده کارشناسان فرهنگی است که به هنرمندان فرصتی برای ایجاد ارتباط با هنرمندان و عامه مردم دیگر کشورها را بدهند.

می‌شویم. به همین خاطر به همراهی شرکای دیگری احتیاج داریم که در درازمدت اعتماد بیشتری را برای بحث و گفتگو راجع به موضوعات و چگونگی برقراری روابط فرهنگی با ملت‌ها فراهم آوریم.

توجه به اختلاف سلیقه‌ها البته مهم است. چرا که در آشکار شدن دلایل این تفاوت سلیق، ارزشها و

«سمینار پژوهشی دریاچه‌ای به تئاتر نوین جهان» با سخنرانی دکتر حسین سلیمی افتتاح شد.

در این سمینار که تعدادی از شناخته‌ترین چهره‌های تئاتری و پژوهشگران هنر نمایشی حضور داشتند، موضوعهای مختلفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

دکتر سلیمی، داریوش مؤدبیان و پروفسور هانس جرج کنوپ سخنرانان اولین روز این سمینار بودند.

سلیمی رییس مرکز هنرهای نمایشی و دبیر هفدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در سخنرانی خود که عنوانش ادراک و شناخت در هنر نمایش بود، گفت: دو دیدگاه برای ارزیابی مقولات فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. دیدگاه اول حاصل دوران روشنگری است که می‌توان آن را معیاری برای ارزیابی پدیده‌های هنری و فرهنگی در نظر گرفت.

اما دیدگاه جدید پست مدرنیسم است که آن هم نیز معیاری است برای ارزیابی هنری. بر این اساس انسان‌ها به تناسب شرایط و به گونه‌های متفاوت پدیده‌های هنری را می‌فهمند.

سلیمی در ادامه سخنان خود گفت: امروزه برای تولید آثار هنری و پدید آوردن خلاقیت‌های فکری نباید در دام و چارچوب ملاک‌های تعیین شده گرفتار شویم.

پروفسور هانس جرج کنوپ سخنران بعدی این سمینار بود که با موضوع گفتگوی تمدنها به سخنرانی پرداخت.

وی در ابتدا ضمن معرفی خانه فرهنگ‌های جهان در برلین که عهده‌دار ریاست آن است، گفت: انسانها امروز احساس می‌کنند دوست دارند راجع به فرهنگ‌های دیگر مطالب بیشتری بدانند و با آن فرهنگ‌ها آشنا شوند.

شیوه کاری ما در خانه فرهنگ‌های جهان نیز مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در جهت شناخت مفاهیم زیبایی‌شناسانه این فرهنگ‌ها برای آشنایی بیشتر است.

اگر ما صرفاً درباره فرهنگ ملت‌ها با پیش فرض‌های خودمان قضاوت کنیم دچار مشکل

مردم درباره جشنواره تئاتر چه می‌گویند؟

شوند. به نظرم باید یک خانه تکانی در تئاتر ما حتی در بخش مسابقه صورت بگیرد همان طور که جشنواره فیلم در بخش مسابقه خود، متکی بر فیلم‌های حرفه‌ای از سینماگران حرفه‌ای است.

نرسیده به در اصلی تئاتر شهر، پسر جوانی روی دو پا چپاتمه زده و برنامه تئاترها را یادداشت می‌کند از او می‌پرسم:

■ شما تماشاگر حرفه‌ای تئاتر هستید؟
■ نه، آیا چون دارم می‌نویسم، به نظر می‌رسد تماشاگر حرفه‌ای هستم؟

■ با صراحت می‌گویم نه، اما چرا برنامه‌ها را یادداشت می‌کنید در حالی که جدول از قبل تهیه شده و می‌توانید از بانه‌ها آن را تهیه کنید؟

■ من جدول ندارم، خیلی هم از برنامه‌های این جشنواره مطلع نیستم برای اولین بار است که به تئاتر می‌آیم می‌خواهم برنامه‌ها را بنویسم تا سر فرصت هر کدام را که دوست دارم انتخاب کنم.

■ پس تا الان هیچ کاری ندیده‌اید؟
■ نه.

پیرمردی با دختر جوانی که بنظر پدر بزرگ و نوه می‌رسند به یکی از ستونهای تئاتر شهر تکیه داده‌اند، وقتی حرف می‌زنند بخار دهانشان در هوا بلافاصله می‌ماسد، گهگاه پیرمرد دست راستش را بالا برده و پکی عمیق و تند به سیگار می‌زند، دختر جوان سرش را بسوی آسمان بلند می‌کند و نفس بلندی می‌کشد. جلوی مردم...

■ شما برای دیدن تئاتر آمده‌اید؟
■ بله، اما نتوانستیم بلیت تهیه کنیم.

■ پس چرا این جا ایستاده‌اید؟
■ مگر شما پلیس یا مدعی العموم هستید؟

■ لبخند می‌زنم نه، اما بی‌شبهات به آن دو نیز نیستم، خیرنگارم، دوست دارید با من حرف بزنید؟

■ نه، بهتر است سراغ کس دیگری بروید. پیرمرد که دلخوری‌ام را می‌بیند با نگاهش مرا تعقیب می‌کند، خوب حالا چی می‌خواهی پرسی، از کدام روزنامه هستی؟

■ از روزنامه همشهری هستم. می‌خواهم درباره جشنواره با شما صحبت کنم.

■ می‌بینید که پشت در مانده‌ایم.
■ چرا، چرا زودتر برای خرید بلیت نیامدید؟

■ کار داشتیم، فکر نمی‌کردیم این قدر زود بلیت‌ها تمام شود. چون دیشب نتوانستیم تئاتر «جریره» را ببینیم.

برایمان صحبت کنید؟
■ مینا اعتمادی، خانه‌دار:

تعجب می‌کنم هیچ کس جواب درستی به آدم‌ها نمی‌دهد. مثل اینکه همه سر در گم هستند. فروشنده‌گان بلیت از برنامه تئاترها و مکان آنها بی‌اطلاعند. وقتی یکی دو سوال بیشتر از آنها می‌پرسی عصبانی می‌شوند خوب البته حق دارند اما تکلیف ما چیست؟ من می‌خواهم تئاتر ببینم اما نمی‌دانم مدت زمان هر کدام از آنها چقدر است از طرفی قیمت بلیت‌ها هم خیلی گران است به عنوان مثال بلیت تئاتر «کاتاکالی» که از کشور هندوستان است، هزار تومان است.

■ الان مشکل شما چیست؟
■ اینکه از فروشنده این باجه می‌پرسم که تئاتر «کاتاکالی» چه وقت و کجا اجرا دارد اما هیچ جوابی نمی‌دهد.

■ آیا ندیدید که برنامه را پشت شیشه چسبانده‌اند؟
■ چرا اما خود این آقایان هم باید مطلع باشند و جواب سر بالا به مراجعان خود ندهند. مرد جوانی که چهره‌اش را بارها در تله تئاترها و میان پرده‌های تلویزیونی دیده‌ام با یک کلاه مشکی نظرم را جلب می‌کند. نامش را به یاد ندارم و هنگامی که نام او را می‌پرسم می‌گوید: دوست ندارم نامم را بگویم.

■ چند کار دیده‌اید؟
■ هیچ کاری ندیدم، چون کارت نداشتم و بلیت هم نداشتم نتوانستم هیچ یک از برنامه‌ها را ببینم.

■ چرا، بلیت‌ها گران است؟
■ نه، قیمت بلیت‌ها اصلاً گران نیست بلکه مشکل تئاتر ما چیز دیگری است.

■ چه مشکلی، لطفاً روشن‌تر حرف بزنید؟
■ مشکل محقق، ما در زمینه تئاتر محقق نداریم بلکه سبکهای تئاتری ما بیشتر بر اساس شنیده‌ها و تجربه‌های نصفه نیمه ماست اگر ما یک روش تحقیق به جا و حساب شده در تئاتر داشته باشیم، بسیاری از مشکلات تئاتری مان حل خواهد شد.

■ یعنی الان ما فاقد تئاتر حرفه‌ای هستیم؟
■ بله، تئاتر ما حرفه‌ای نیست. تئاتر حرفه‌ای نیاز به عوامل حرفه‌ای، متن حرفه‌ای، تماشاگر حرفه‌ای و حتی بودجه حرفه‌ای دارد و از همه مهمتر محقق و لابراتوار حرفه‌ای می‌خواهد.

■ پس بخش مسابقه ما فاقد آثار حرفه‌ای است؟
■ بله. در این بخش نمایشنامه‌هایی از شهرستانها انتخاب شده که می‌توانست خیلی دقیق‌تر انتخاب

برای من می‌رود تا به یک چشم انتظاری برای اتمام مراسم بدل شود. شاید در طول روز سه یا چهار بار به تئاتر شهر می‌آیم و هر بار خسته‌تر از گذشته تحریر گزارشم را آغاز می‌کنم. آدم‌های کوتاه و بلند، پیر و جوان، حجیم و باریک از پیشاپیش می‌گذرند. انگشتها به این سو و آن سو می‌چرخند و نگاهها بر روی پوسترها و پلاکاردهای رنگارنگ می‌ماسد. همان طور که ورقها را در دستم جابجا می‌کنم به موضوع گزارشی می‌اندیشم که زنی نسبتاً جوان حجم نگاهم را پر می‌کند. زن با دلخوری زیر لب می‌گوید: «هیچ کس چیزی نمی‌داند پس از چه کسی باید پرسم؟»

دلخوری زن توجهم را جلب می‌کند بلافاصله موضوع گزارش را تغییر می‌دهم. جلوتر می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم: سلام خانم، من خبرنگار ویژه‌نامه تئاتر همشهری هستم لطفاً درباره کاستی‌های جشنواره

هفدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر امروز هفت روزه می‌شود. نطفه‌ای که یک سال پیش بسته شده، هفت روز پیش متولد شد و اکنون با سرعتی اعجاب‌آور قد می‌کشد. گویا می‌خواهد تا قبل از رسیدن به پانزده، رشدش را کامل کند و بلوغش را جشن بگیرد. شاید هم دلش از همین حالا برای کارناوالی که در پانزده روزگی اش برپا خواهد شد، لک زده است.

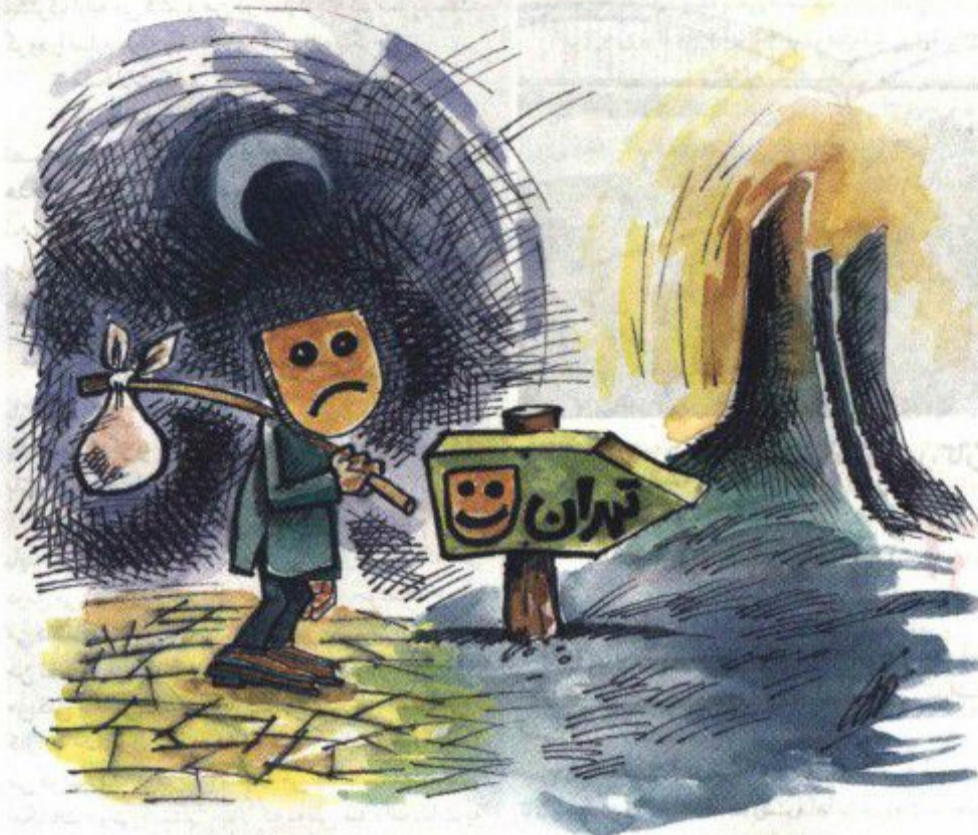
همین طفل هفت روزه این روزها مثل یک کودک چموش، روزها می‌خوابد و شبها، خواب و آسایش را از چشمان خواب‌آلوده شهر سلب می‌کند. هموست که شبها در تالارها به راه می‌افتد تا نظاره‌گر برق شادی در چشمان دوستداران و مشتاقان خود باشد. این طفل به راستی چه عجول و چه سودایی است... اما میزبانی این طفل برای من جز خستگی حاصلی نداشته است هفت روز از جشنواره می‌گذرد. شور و هیجان اولیه



با برگزیدگان تئاتر شهرستانها

سلمان باهنر، کارگردان اصفهانی:

چه استعدادها که در شهرستانها وجود دارد...



در دومین روز جشنواره در تالار هنر که محل اجرای نمایش های بخش «جشنواره جشنواره ها» است گروه نمایش «مشت محله» سرگرم آخرین تمرین قبل از اجراست. سلمان باهنر نویسنده و کارگردان گروه در اتاق کنترل، بازی را زیر نظر دارد و یادداشت هایی برمی دارد. اعضای گروه از جمله بازیگران بسیار جوان هستند و پیداست که از کار خود لذت فراوانی می برند. «مشت محله» کاری است از اصفهان که در جشنواره دانش آموزان کشور به عنوان نمایش «برگزیده» معرفی شده است. باهنر درباره گروه خود می گوید: «ما اغلب کارهای تجربی انجام می دهیم، کارهایی که هم از لحاظ تکنیکی و هم محتوایی تنوع داشته باشند. این نمایش که موفق شده به جشنواره راه پیدا کند، سوژه جنگی دارد. سعی کردیم نکته ای را که معمولاً در این نوع کارها مطرح نمی شود، مدنظر داشته باشیم و آن «باورپذیری» است. به این معنا که اتفاق روی صحنه برای تماشاگر باورپذیر باشد. و دیگر آنکه چون سبک کار روایی است سعی کردیم از بار حسی کم کنیم و به بار عقلی آن اضافه کنیم. به ویژه که هم بازیگران و هم اغلب مخاطبانمان جوان و نوجوان هستند. این کارگردان جوان درباره جشنواره می گوید: «برای گروههایی که به تازگی با جشنواره آشنا می شوند، مشکلاتی وجود دارد. ما در لحظه ورود سردرگم بودیم و مثلاً نمی دانستیم برای تمرین در تالار باید اول از مرکز معرفی نامه بگیریم. اگر امکانش باشد که به غیر از رابطهای هتل، کسانی ما را در کارهای اجرایی راهنمایی کنند کارها زودتر سر و سامان می گیرد. دوم اینکه طرح تهیه بلیت از گیشه برای گروهها و دست اندرکاران، طرح بسیار خوبی است چون به این ترتیب به هنر تئاتر بها داده می شود، فقط اگر برای گروهها امتیازی قایل می شدند تا بتوانند بلیت ها را پیش خرید کنند راحت تر می توانستند نمایش ها را ببینند. و سوم آنکه جشنواره فرصت خوبی برای دیدن نمایش هایی با کیفیت برتر است ولی چون امکان دیدن همه نمایش ها وجود ندارد اگر امکان داشته باشد کارها ضبط و ویدیویی بشوند تا انجمن های تئاتر سرفرصت بتوانند نمایش ها را ببینند که کمک مؤثری خواهد کرد.»

علی رضا جوزقیان طراح صحنه «مشت محله» که در بدو ورود به تهران موفق به دیدن نیم ساعت از نمایش «رستم و سهراب» در بخش ویژه شده است، درباره جشنواره می گوید: «بچه هایی که به منظور کسب تجربه می آیند، دیدن نمایش ها برایشان بسیار لذت بخش است. من به عنوان طراح صحنه با دیدن نمایش «رستم و سهراب» خیلی چیزها در مغزم جرقه زد، خیلی چیزها به یاد آمد که می توانم در نوآوری برای کارهای آینده ام مؤثر باشم. او اشتیاق و هیجان وصف ناپذیری برای دیدن نمایش ها دارد و در مورد بخش های مختلف جشنواره می گوید: «هنوز درست نمی دانیم که هر کدام

دارند از شهرستان های مختلف به تهران می آیند، باهنر علاقه بسیاری به دیدن آن نمایش ها و گفتگو با اعضای گروهها دارد و افسوس می خورد که امکان حضور همه گروهها به طور همزمان وجود ندارد. وی درباره وضعیت تئاتر در اصفهان می گوید: «وضعیت تئاتر در همه جا یکسان است، گروهی با کار هنری و گروهی با کار گیشه ای موافق هستند این الگو از تهران به شهرستانها و برعکس تکرار می شود. در اصفهان گروهی فقط به کار کمدهی اصفهانی علاقه دارند و گروه دیگری سعی می کند کارهای خیلی خاص هنری انجام بدهد که معمولاً موفقیتی ندارد، در این میان گروههایی هم هستند که هر دو بعد را در نظر دارند و کارهایی مطابق با وضعیت جامعه امروز ارائه می دهند. در ضمن قدم مثبتی هم که این اواخر برداشته شده است ایجاد کلاس هایی برای تربیت مربی تئاتر است.» و جوزقیان اضافه می کند: «اصفهان هنرمندان شایسته ای دارد اما مانند چشمه های زیرزمینی هستند که باید کشف شوند. وقتی بچه ها را برای کاری امتحان می کنیم پی می بریم که چه استعدادها و توانایی های زیادی دارند ولی متأسفانه جذب نمی شوند. سیستمی وجود ندارد که از آنها حمایت کند و به کار تشویق نماید فقط همین سالی یک بار اگر جشنواره ای باشد.»

مریم سپهری

الته نکته قابل ذکر این است که پس از پایان جشنواره، این نمایش اجرای عمومی خواهد داشت. همچنین گفته می شود نمایش رستم از شاهنامه رفت به کارگردانی رضا حداد و نوشته منیرو روانی پور - همسر بابک تختی - به جای این نمایش اجرا می شود.

معماری تئاتر در قرن بیستم

دکتر «محمد رضا خاکی» در نشست تحت عنوان «معماری تئاتر در قرن بیستم و تغییر و تحول در آن» به قرائت مقاله خود در زمینه تاریخچه تأسیس سالنهای تئاتر برای حاضران پرداخت و گفت: سالن های تئاتر ما نه تنها گنجایش تماشاچیان کشور را ندارد بلکه از نظر ساختمانی نیز جوابگوی تئاتر نوین جهان نیست. او گفت: به دلیل اینکه تمام صحنه ها و سالنهای تئاتر مربوط به گذشته است باید یک تغییر و تحول اساسی پیدا کند تا این سالنها برای اجرای تئاتر نوین آماده شود. خاکی همچنین گفت: در حال حاضر سالنهای نمایش تئاتر به گونه ای تغییر پیدا کرده است که کارگردان تئاتر می تواند حتی سالن تماشاگران را به تعداد تماشاگران کوچک و بزرگ کند.

هیات داوران بخش دانشجویی مشکل از وثوقی و اردشیر صالح پور در اختتامیه جشنواره بین المللی فجر، آثار برتر را معرفی خواهد کرد. امروز پنجشنبه، هشتم بهمن ماه، نمایشنامه «مانی» کاری از «فرشته حامد نائری» در بخش دانشجویی در تالار شهید آوینی دانشگاه تهران در دو سانس ۱۵/۳۰ و ۱۷/۳۰ روی صحنه خواهد رفت.

«بازگشتنی نیست»

اجرا نمی شود

«بازگشتنی نیست» اجرا نمی شود این نمایشنامه که قرار بود به کارگردانی گلچهره سجادیه در بخش ویژه به نمایش درآید، به دلیل آماده نشدن کار به جشنواره نمی رسد. گلچهره سجادیه یکی از بازیگران شاخص تئاتر و سینماست که فیلمهایی چون سرزمین خورشید و رد پای گرگ را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است. اگر سجادیه، بازگشتنی نیست را اجرا می کرد، می شد گفت علاوه بر سینما در تئاتر نیز حضوری فعال داشته است. سجادیه امسال با فیلم هیوا به کارگردانی رسول ملاقلی پور در جشنواره فیلم حضور دارد.

جشنواره تئاتر دانشجویی

میزبان یازده دانشگاه

از سراسر کشور

دومین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در بخش دانشگاهی با همت اداره کل امور فرهنگی وزارت آموزش عالی و همکاری سازمان هنرهای نمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار شهید آوینی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران کار خود را از یکم بهمن ماه آغاز کرده است. در این بخش «یازده دانشگاه از سراسر کشور دانشگاه آزاد اسلامی تهران، دانشگاه سوره تهران، جهاد دانشگاهی تهران، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما تئاتر، دانشگاه تهران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه اراک، دانشگاه کاشان، دانشگاه خلیج فارس و دانشگاه تربیت دبیر فنی دختران شریعتی» با ارائه آثار خود شرکت دارند. از میان تمامی آثار دانشجویی ارسالی به ستاد انتخاب آثار شامل آقایان: چرم شیر، جعفری، زارعی، صالح پور و مریم وثوقی، تعداد بیست و سه اثر انتخاب و تا چهاردهم بهمن ماه به روی صحنه خواهند رفت.

آسیب شناسی تئاتر

پژوهش

دکتر سید مصطفی مختاباد پدیده های هنری در سراسر جهان دستخوش تغییرات متوالی هستند. بدون حضور پژوهش و پژوهشگران آگاه ردیابی این تحولات امکان پذیر نیست. محققان واسطه های مستقیم جریانات فکری و فرهنگی در ارتباط با شرایط اجتماعی زمانه خود هستند. هیچ جریان فکری بدون حضور پژوهش در جهان امروز پایدار نمی ماند. اهمیت دادن به پژوهش در هر پدیده بشری نشانگر حیات و رشد آن است چرا که پژوهش پاسخگوی چگونگی ها و چراهاست تا بتواند زمینه را برای تصمیمی طبیعی مهیا نماید.

در نهادهای پیشرفته علمی، فرهنگی حساس ترین بخش به پژوهش اختصاص دارد، چون در رقابتها بدون آگاهی و اطلاع دقیق کیفی که تنها از حوزه پژوهش متبادر می گردد ادامه فعالیت بعید به نظر می رسد. با چنین برداشتی سازمانهای فرهنگی، علمی تا یک سوم کل بودجه خود را به امر پژوهش اختصاص می دهند. در معیارهای جهانی نیز سازمانهای رسمی در ارزیابی علمی و رده بندیهای فرهنگی برای کشورها آنها را براساس تعداد حوزه های پژوهشی و نوآوریهای تحقیقاتی رده بندی می نمایند.

با چنین دورنمایی طبیعی است که هنرها و تئاتر کشور ما نیز برای هرگونه حرکتی اساس و محور کار خود را بر محورهای پژوهشی قرار دهد. موضوعی که متأسفانه تا به امروز چندان عنایتی به آن نشده، اگرچه همه مطلعیم ایجاد و تحول باید بر فرآیند شناخت و آگاهی بنا شود، هدفی که کشورهای صاحب هنر نمایش به آن پرداختند و در نتیجه به تحولات شگرف به تعبیر ما ولی رشدی طبیعی از نظر خودشان دست یافتند. اگر ما همه گاه جریانات تئاتری برادری، لندن و پاریس را می ستائیم باید بدانیم که همه فصلهای نمایشی آنها بر مبنای پژوهشها و آمارهای دقیق علمی از کم و کیف ذائقه ها و جریانات اجتماعی، ادبی، روحی و روانی و رسانه ای پسته می شود. هیچگاه اثری بدون بررسی و نیازهای اجتماعی تولید نمی شود. تولیدات فرهنگی بر مبنای پژوهشهای فرهنگی شکل می گیرند.

در کشور ما بعد از چند دهه که از عمر تشکیلات تئاتر می گذرد نه تنها یک انسجام دقیق در زمینه پژوهش به وجود نیامد، متأسفانه هیچ گونه طرح جامع پژوهشی که بتواند عنصر تئاتر را به عنوان یک پدیده فرهنگی، هنری و انسانی به جامعه و نسل آینده معرفی کند و حدود و ثغور آن را روشن کند وجود ندارد.

هنوز بعد از دو قرن که از ورود تئاتر به کشور می گذرد بحث و جدل بر سر الفبای این هنر است. اگر آثاری با رنج و زحمت شخصی خلق شدند متعلق به سی یا چهل سال قبل هستند که با در نظر گرفتن اعتبار علمی پژوهشها که به سه تا پنج سال می رسند آنچنان از نظر علمی قابل استناد نیستند.

بنابه گفته یکی از محققان صاحب نام در زمینه پژوهش تعزیه، دکتر عنایت الله شهیدی: «در زمینه تحقیق تئاتر ایرانی تعبیر و برداشتهای غلط زیادند که باید تصحیح شوند. مثلاً در مورد تکیه دولت ایشان معتقدند، برخلاف نظر محققانی که معماری تکیه دولت را برگرفته از آلبرت هال لندن می دانند این اثر توسط معمارباشی، معمار ایرانی و با فکر ایرانی ساخته شده است. دکتر شهیدی در کتاب جدید خود که بزودی منتشر خواهد شد نظرات قبلی را از نظر تاریخی در مورد بنای تکیه دولت باطل اعلام می دارد.

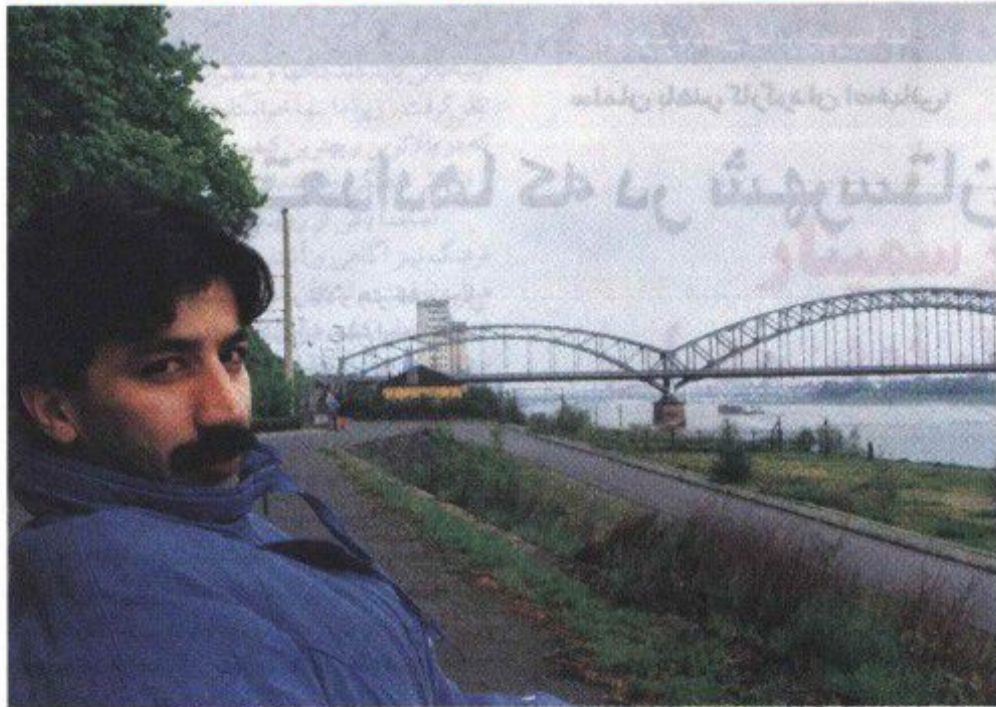
در یک جمع بندی دقیق در مورد پژوهش در تئاتر ایرانی می توان گفت، تا به حال سیاست دقیقی در این زمینه در ابعاد مختلف مدون نشده است، یعنی هنوز یک چارچوب پژوهشی مناسب با توجه به نیاز و توان کشور در مورد نحوه پژوهش در تئاتر ایران از دید تاریخی، انسان شناسی، جامعه شناسی، فرهنگی، مذهبی و شیوه ها و... به عمل نیامده است.

از سوی دیگر در مورد تقویت جنبه های تئاتر غربی و دلایل این حمایت سیاست دقیقی تبیین نشد. با ایجاد یک پژوهشکده تئاتر ایرانی و جهانی می توان با زمان بندی دقیق این اهداف را در کنار هم قرار داد. پژوهشگران و صاحب نظران ایرانی در زمینه تئاتر ایران و جهان قادرند با اولویت بندی، نیازهای بر زمین مانده را پاسخ گویند. این هدف باید هرچه زودتر سرلوحه کارگزاران تئاتر کشور قرار گیرد تا بی رمقی حاصل زوده شود و به جای آن شکوفایی و رشد پدیدار گردد.

پی نویس:

سیروس شاملو، کارگردان:

وقتی به روی صحنه می‌روم بازیگر احساس راحتی می‌کند



بهرام عظیم پور، کارگردان نمایش «حشمت»:

به دور از کلام زندگی

البته باید به نقش آتیلا پسینی تأکید ویژه داشته باشم چون متن اولیه این نمایش از خلال تمرینات و بدون نوشته قبلی شکل گرفت. یعنی ما به عنوان یک تجربه جدید هر روز بعد از جلسات تمرین بر مبنای پیشرفت تمرینات به نوشتن متن می‌پرداختیم و طبیعی است که نقش آتیلا به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای با حضور ذهن خوب و روحیه نو جو و تجربی به مفهوم فنی کلمه بسیار قابل توجه است.

بعد از بازنویسی متن هم بسیاری از ایده‌ها و ظرافت‌های اجرا حاصل حضور آتیلا است.

عنوان «نمایش بی کلام»، انتظار یک اجرای پانتومیم به ذهن می‌آید آیا «حشمت» یک نمایش «میم» است؟

نمی‌دانم چرا بشر فکر می‌کند کار بی کلام باید پانتومیم یا حرکات موزون - همان رقص سابق - باشد. در نمایش حشمت تلاش بر این بوده تا به طور طبیعی نیاز به کار بردن کلمه از جانب تماشاگر احساس نشود. و در واقع شکل عمل صحنه به نحوی پیش برود تا بازیگر مجبور نباشد با حرکات بدنی و رفتارهای غلوآمیز مطلبی را برساند.

دلیل خاصی بر عدم کاربرد کلام داشتید؟
خود نمایش به ما دیکته کرد. یعنی این فرد در قالب این نمایش نیازی به گفتار پیدا نمی‌کند! او ارتباطی با افراد دیگر ندارد. یا ارتباط ناقص و پراکنده‌ای دارد و زندگی در اشیاء پیرامون خلاصه شده است.

تمام رفتارهای «حشمت» زاینده لحظات و شرایط خاص خود و نیز غریزه‌ها و هوس‌های گذرای اوست. فکر می‌کنم اگر هر جا که ما احساس می‌کردیم لازم است تا او به حرف درآید، حتماً خودش حرف می‌زد، ولی گمان ندارم که تماشاگر هم دچار این نیاز شده باشد. راستش تجربه کاری بی کلام و سوسه‌انگیز و جذاب است.

به ویژه تا حدی فکر می‌کنم «کلام زندگی» گریبان بسیاری از نمایش‌های جاری را گرفته است و بسیاری از اجراها در حد «حرف» باقی می‌مانند و از دیگر ابزار بیانی هنر نمایش حداقل استفاده را می‌برند.

کمی هم در مورد گروه تئاتر بازی بگوئید؟
گروه تئاتر بازی به سرپرستی آتیلا پسینی از سال ۱۳۶۸ تشکیل شده و ظرف ۹ سال گذشته ۳۲ نمایش را به صحنه برده است. کاری بسیار گسترده و کم نظیر.

اعضای گروه تئاتر «بازی» را تعدادی از فعالان حرفه نمایش ایران تشکیل می‌دهند و هدف ما ارائه تئاتری تجربی و مداوم در چارچوب تئاتر ملی و پیوند با زبان جهانی نمایش است.

گروه تئاتر «بازی» در هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با سه اثر شرکت کرده است: حشمت، تبار خون (آتیلا پسینی) و موسیو یعنی ویلون (حسین عاطفی).

آیا حشمت اجرای عمومی می‌شود؟
هنوز مشخص نیست. ما تلاش می‌کنیم تا بعد از جشنواره در صورت موافقت مرکز هنرهای نمایشی اجرای عمومی داشته باشیم.

در بروشور نوشته شده، نمایش حشمت قبلاً اجرا شده، چرا همان موقع اجرای عمومی نداشته است؟

«حشمت» در تیر ۱۳۷۳ به مدت سه شب در تالار مولوی تهران به صحنه رفت، اما در آن زمان به علت فضای بسته عرصه نمایش، اجازه اجرای عمومی پیدا نکرد.

مسئولان وقت از نمایش ۲۷ مورد ایراد گرفتند. باور نمی‌کنید حتی اصرار داشتند تا ما موضوع و تم نمایش را هم تغییر بدهیم. چیزی که امکان نداشت.

یعنی چطور تم و موضوع را تغییر بدهید؟
تم نمایش «حشمت» بر بحران هویت استوار شده و فاقد موضوع داستانی یا شکل کلاسیک نمایشی است.

«حشمت» برشها یا تصویرهایی از زندگی یک فرد است. یک فرد تنهای بحران زده که ما با خلوت خصوصی او روبه‌رو می‌شویم. فردی که نمی‌داند کیست یا چیست؟ اهل کجاست و چه عقیده‌ای دارد. چه باید بپوشد، یا چه بنوشد و غیره.

«حشمت» یک فرد و شخصیتی است که علیرغم مرد بودنش، تظاهرات زنانه دارد و به نوعی دچار بیماری دوجنسیتی است. در واقع این بیماری محمل مناسبی برای انتقال مفهوم بحران هویت تلقی می‌شود. غیر از این که موضوع و شکل غیرتکراری و تازه‌ای هم به کار می‌دهد.

یکی از ایرادهای مسئولان وقت ارشاد این بود که این فرد دوجنسیتی نباشد. خوب این یعنی بنیاد نمایش ما را تغییر دادن و موضوع آن را از بین بردن.

آیا حشمت یک فرد خاص با رفتارهای ویژه است یا مشخصه‌های عام‌تری هم دارد؟

تلاش ما بر این بوده تا با حفظ ویژگیهای فردی شخصیت، اشاره‌ها و تأکیدهایی بر بحران هویت به عنوان یک بیماری اجتماعی داشته باشیم. بخشی از نسلی که تحت دگرگونی‌ها و فشارهای گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تعادل خود را از دست داده گاه به راست می‌زند، گاه به چپ می‌رود. گاه عرفان شرق او را سحر می‌کند، گاه جاذبه غرب او را قفلک می‌دهد.

عدم تعادلی که نتیجه آن غالباً ابتذال و نه این و نه آن است. نسلی که در ایجاد ارتباط با دنیای خارج از خود مشکل دارد مسئولیت این عدم ارتباط و بحران‌ها چندان هم به عهده خود او نیست.

شاید به دلیل همین بی‌گناهی است که شخصیت «حشمت» با همه بیماری و تنهایی، شیرین و سمپاتیک از کار درآمده است.

آیا در این اجرا نسبت به سال ۷۳ تغییری داده شده است؟

بله. باتوجه به تغییرات ایجاد شده در سطح و عمق سلیقه‌های فرهنگی نظام و باتوجه به هوای تازه‌ای که در تئاتر کشور جریان یافته، طبیعی است که کارها نیاز به یک نگاه و برداشت تازه داشته باشد. خود من با اجازه دوست عزیز و همراه محمد چرم شیر که نویسنده اثر هستند مرتکب بازنویسی شدم.

مشترک ارایه می‌کنند و من در نمایش حکم سرپرست گروه را ندارم بلکه یک هماهنگ و تدوینگرم.

مشکلات کاری تئاتر را در چه می‌دانید؟
مشکلات زیاد است. چون پشت درهای بسته تصمیم گیری می‌شود. ما باید حرف بزیم و کارمان هدف داشته باشد ولی هیچ تأمینی وجود ندارد و من نمی‌دانم در آینده، کارهای نمایشی من چه وضعیتی پیدا می‌کند. بعد از اجرای این نمایش دکورها و بقیه لوازم را باید در انباری بگذاریم در حالی که امکانات موجود بسیار اندک است.

شما به نوعی بلا تکلیفی اشاره کردید. تا به حال بازیگری شغل اول نبوده و اکثر هنرمندان تئاتر در کنار یک شغل دیگر به بازیگری می‌پردازند. آیا با رسمی شدن بازیگری به عنوان یک شغل موافقت می‌کنید؟

از هر جهت در تئاتر با مشکل مواجهیم. اولاً باید دانشکده‌های هنر را تعطیل کنند و از کسانی که هنر درس می‌دهند؛ کنکور بگیرند تا ببینند که خودشان چیزی می‌دانند یا نه. وقتی منشی اداره در مورد میزاسن کار من تصمیم می‌گیرد و می‌گوید که چرا پول دولت را خرج می‌کنی و یا می‌گوید که بازیگر لباس می‌خواهند چه کار؟ به جای آن گونی نشان کنید. با این حال شما می‌گویید تئاتر دولتی شود؟ من شخصاً معتقد به امکانات دولتی نیستم. حالا که دولتی شده امکانات به این شکل است. در تئاتر بازیگر باید با تماشاگر روبه‌رو شود و تماشاگر هم از این بابت پول پرداخت تا بازیگر از نظر مالی تأمین شود. وقتی در ایتالیا بودم به دیدن نمایش «پینکیو» رفتم که دو تماشاگر داشت. من و یک پسر بچه. که آن بچه از ترس خالی بودن، سالن را ترک کرد و فقط من تا پایان، نمایش را دیدم و آن‌ها هم تا آخر اجرا کردند. اگر در ایران تئاتر دولتی شود، همین اتفاق تکرار می‌شود.

گفتگو با: سحر محمدی

هادی مرزبان کارگردان نمایش شب روی سنگفرش خیس:

پس از دوم خرداد از مشکلات هنرمندان تئاتر کاسته شد

جشنواره محل تبادل افکار و عقاید است چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ کاری. فکر می‌کنم با بین‌المللی شدن جشنواره اسامال، بتوانیم تا حدودی مقایسه‌ای بین کارهای داخل و خارج از کشور داشته باشیم و به نتایج خوبی دست پیدا کنیم. به شرط آنکه این مسأله ادامه پیدا کند و در نهایت شاهد حضور گروه‌های داخلی در جشنواره‌های خارجی باشیم.

مهمترین مشکل شما بعنوان یک هنرمند تئاتر چیست؟

گروه‌های تئاتر در این ۲۰ سال اخیر با جان و دل کار کرده‌اند و ثابت کرده‌اند که عاشق‌اند و می‌دانند برای ارائه یک کار خوب در تئاتر باید فداکاریهای زیادی بکنند. خوشبختانه بعد از دوم خرداد با ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی در تمام سطوح جامعه، از مشکلات هنرمندان تئاتر نیز کاسته شد. می‌توان گفت تنها مشکل موجود کمبود بودجه اختصاص یافته به این هنر است.

مهدیسختلنی

نمایش «جنش انقیه در کلکته گاه» در ادامه کار قبلی شما یعنی «همچون کوچه‌ای بی انتهاست» یا چیزی جدا از آن و یک کار جدید؟

نمایش در سیزده تابلو تدوین شده که همراه موسیقی، رقص و آواز است و از نظر تابلویی بودن مثل کار قبلی است ولی اتفاقات جدیدتری را دنبال می‌کند.

در مورد برگزاری جشنواره چه نظری دارید؟
همان بی‌نظمی‌های گذشته بر جریان تئاتر حاکم است و طبیعتاً برای برگزاری و جلب مردم هزینه‌های بسیاری صرف شده است.

پس چرا در جشنواره شرکت کردید؟
چون نمی‌گذارند در وقت دیگری کار کنیم. یعنی این نوع مسائل باعث شده که با جشنواره مخالف باشید؟

بله؛ در این جشنواره بیش از شصت گروه داخلی حضور دارند ولی برای بازیگران شهرستانی هیچ امکانات خاصی مثل خوابگاه وجود ندارد و کار با هزینه و امکانات کم پیش رفته. در صورتی که گروه‌های خارجی از امکانات خوبی برخوردارند و رقابت نمایش‌ها با این امکانات در مقابل امکانات نمایش‌های خارجی به نوعی کم لطفی است. دوران فداکاری هم در تئاتر سر رسیده که فقط به خاطر عشق به تئاتر؛ کار می‌کردند.

در این نمایش؛ هر چند کوتاه نقش یک کارگردان را دارید. چرا در عین کارگردانی بازی هم می‌کنید؟

من نمی‌توانم آرام بنشینم. وقتی به روی صحنه می‌روم بازیگر احساس راحتی می‌کند و هنگامی که در صحنه نیستم، احساس می‌کنند که وارد دادگاه شده‌اند و برای راحتی آن‌ها خودم هم وارد صحنه می‌شوم.

کار با گروه که اکثر آن‌ها تازه کارند؛ چطور بود؟
هماهنگی تنها چیزی است که به وجود آمده و تماشاگر شاهد یک نمایش گروهی است. گر چه گروه از نظر ایدئولوژی با هم همخوان نیستند ولی یک کار

از موضوع نمایش تان بگوئید؟

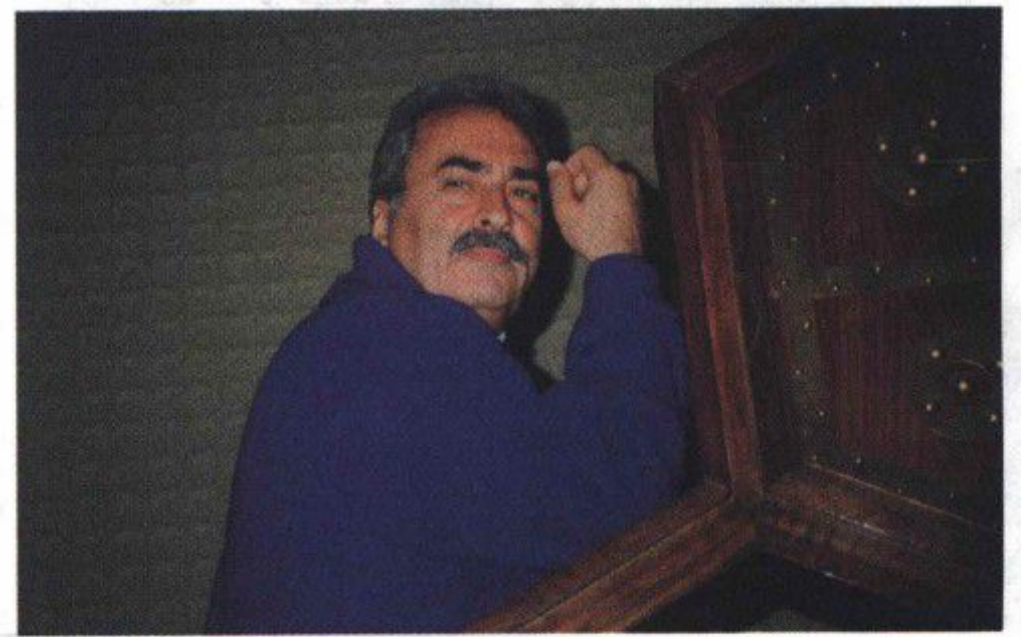
داستان زندگی یک استاد دانشگاه را که بنا به دلایلی در خانه است عنوان می‌کند که با فقر مالی و اقتصادی شدیدی روبه‌روست. همسرش او را ترک کرده و با تنها دخترش زندگی می‌کند، ماجراهایی برای او اتفاق می‌افتد که...

چه ویژگی‌هایی در این متن وجود دارد که نظر شما را برای اجرا به خود جلب کرد؟

به کارهای اکبررادی اعتقاد خاصی دارم و شخصیت‌های متون او را به خوبی درک می‌کنم.

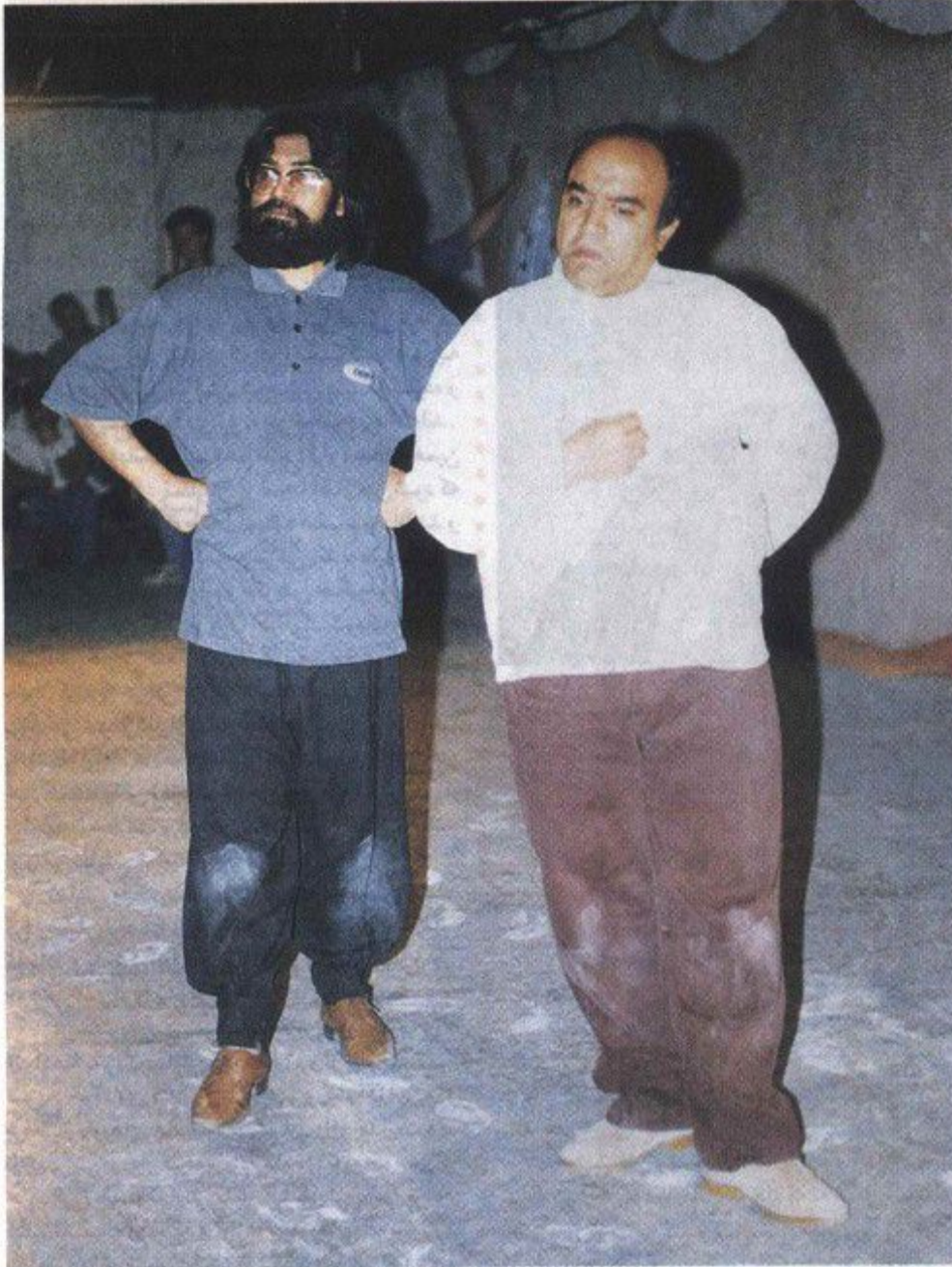
بازیگران خود را چطور انتخاب کردید؟
ابتدا یک هسته مرکزی در نظر گرفتم متشکل از جمشید مشایخی، فرزانه کابلی و ایرج راد سپس فردوس کاپوآنی را انتخاب کردم و با توجه به خصوصیات بازیگران این هسته مرکزی بقیه بازیگران خود را انتخاب کردم.

نظرتان درباره بین‌المللی شدن جشنواره چیست؟



امیر دژاکام، کارگردان نمایش سیاوش خوانی:

تئاتر باید حرف دل مردم را بزند



و نظریه‌های متفاوت و جامع‌تری در آن ارائه می‌شود. ضمن آن که موفق به رفع و اصلاح نواقص کار می‌شویم و در عین حال از مصاحبت عزیزان و بزرگواران زیادی هم در این چند روز بهره‌مند می‌شویم.

برگزاری شانزده دوره جشنواره چه تأثیری بر روند کمی و کیفی تئاتر ما گذاشته است؟

این دقیقاً بر می‌گردد به ما برگزارکنندگان، ما اگر پیشنهادهای خوبی داشته باشیم نهایتاً تماشاگر فعالی هم خواهیم داشت. وقتی تماشاگر نداشته باشیم، تئاتر هم نخواهیم داشت. اگر ما نحوه حضور آنها را با کیفیت تئاتر غنا ببخشیم و دائم از کاستی‌ها و مشکلات حرف نزنیم، نقاط مثبت و خوب کار را پررنگ‌تر کنیم مطمئناً تئاتر ما کیفیتی بهتر و کمی شایسته‌تر خواهد داشت.

شما به عنوان یک کارگردان تئاتر چه مشکلاتی مهم و کلیدی را بر سر راه توسعه تئاتر می‌بینید؟

نبودن گروه‌های دائمی، برنامه‌ریزی و هدایت، سیاست‌گذاری‌های درست نمایشی و مشکل همیشگی بودجه. با توجه به این موارد متأسفانه مسئولان دلسردی نشان می‌دهند و این‌ها باعث دورافتادن تئاتر از مردم شده است.

و چه دلایلی را باعث رکود این هنر می‌دانید؟

الان بیشتر کارهای نمایشی، تقلید آثار بزرگ جهانی هستند که من این تکرار را اصلاً درست نمی‌دانم ما باید این نوشته‌ها و آثار جهانی را به فرهنگ خودمان نزدیک و در همان جهت اجرا کنیم، متأسفانه اکثر این آثار با فرهنگ و طرز تفکر مردم ما اختلاف دارند مرد لری که شلواری با پاچه‌های گشاد به پا می‌کند و از دیدن مردی با شلوار کوتاه خنده‌اش می‌گیرد یعنی در مقایسه با فرهنگ خودش تضاد احساس می‌کند. ما باید نشانه‌های فیزیکی اثر را با کدهای فرهنگ ملت منطبق کنیم.

از سیاوش خوانی بگویید.

نمایش سیاوش خوانی برگرفته از نمایش سیاوش شاهنامه است که از تولد سیاوش شروع و با مرگ کیخسرو در برف به اتمام می‌رسد.

افراسیاب کابوسی می‌بیند که مشاوران او اینطور تعبیر کردند که سیاوش به دنیا خواهد آمد و اگر او پیمان خود را نشکند کیخسرو پیروز خواهد شد پس از آن افراسیاب و به طور کلی دنیای آنروز شامل توران و چین و ایران بسیج می‌شوند که مجبور به شکستن پیمان خود شوند نهایتاً آنها موفق به این کار نمی‌شوند و سیاوش از اجرای عهد و پیمان‌ش سربلند بیرون می‌آید و میدان برای حضور کیخسرو و مهیا می‌شود.

چرا چنین موضوعی را انتخاب کردید؟

مجلس سیاوش خوانی به قصد و هدف خاصی برگزار می‌شود، گروهی بازیگر قصد سیاوش خوانی دارند و آن را از منظر خود نگاه می‌کنند، ما در حقیقت نقش پوش هستیم و نه عین نقش.

به طور کلی هر هنرمندی وقتی شروع بکار می‌کند که نیاز معنوی‌اش را احساس کند. انگیزه من برای کارکردن حیاتی است چون نیاز به حس بودن، آرمان‌گرایی و تشخیص را ارضاء می‌کند. این نمایش ضمن حفظ این موارد آرمانهای مشترک مردم ایران را به نمایش می‌گذارد و همین مرا خیلی راضی می‌کند از منظر نگاه انسان معاصر من سعی کردم همان قالب را به نوعی امروزی کنم.

انگیزه شما از حضور در جشنواره چیست؟

من یک کارگردان هستم و در واقع در جستجوی زمانی برای ارائه کار ابتدا در نظر می‌گیریم که برای چه کسی در کجا و چه وقت می‌خواهیم کار کنیم و این‌ها خود انگیزه خوبی برای شرکت در جشنواره است. جشنواره برای ارائه تجربیات گوناگون مفید است و نقد

قدرت الله صالحی، بازیگر:

آشنایی با فرهنگ ملل مختلف

کمی در باره تجربه‌های کاری‌تان بگویید.

از سال ۱۳۵۰ کار بازیگری را شروع کردم و با گروه سینما تئاتر آیین از اوایل انقلاب اسلامی آشنا شدم و از سال ۱۳۶۹ به طور جدی وارد کارهای بازیگری شدم. در نمایش‌های دیوانه‌گان و متخصصین، خر و دجال، خیرخواهی برای سرخوست به همراه نمایش مصاحبه و کیمیاگر

بازی کرده‌ام.

بازیگران تئاتر با چه مشکلاتی مواجه‌اند؟

تا قبل از برگزاری جشنواره سال گذشته کارهای نمایشی به صورت کمی دنبال می‌شد و از وجود هر انسان کم‌تخصصی برای بازیگری استفاده می‌شد. و همین باعث پایین آمدن سطح بازیگری شد.

می‌توان گفت بازیگری یک فن و تخصص است و احتیاج به

یک سری آموزش دارد. در یک نمایش کمتر به بازیگران پرداخته می‌شود و بیشتر یک تلاش جمعی صورت می‌گیرد، دیگر اینکه بازیگران آمادگی فیزیکی خوبی برای اجرا ندارند و کمتر به این مقوله اشاره می‌شود.

نظرتان درباره بین‌المللی شدن جشنواره چیست؟

به نظر من خیلی خوب است. جامعه تئاتری و مردم نیاز دارند با

کارهای خارجی و فرهنگ و سنن ملل مختلف آشنا شوند و کارها را با هم مقایسه کنند و کار موردعلاقه خود را انتخاب کنند. البته بهتر است گروه‌های ایرانی را هم به خارج از کشور بفرستیم تا با شرکت در جشنواره‌های خارجی آداب و سنن ایران را به دنیا معرفی کنند. در مجموع بین‌المللی شدن جشنواره تئاتر فجر باعث رشد این هنر می‌شود.

محمد یعقوبی، کارگردان نمایش «رقص کاغذ پاره‌ها»:

امسال هم مشکلات زیاد بود...

در باره نمایش و اشتراک آن با دیگر آثارتان بگویید؟
تمام اتفاقات این اثر که از ۸ نمایش تشکیل شده است در سوئیت شماره ۲۲ یک هتل در بندر انزلی روی می‌دهد. انگیزه من برای این کار این بود که وقتی آدم‌های مختلفی در این اتاق گرد هم می‌آیند و می‌روند، چه اتفاقی برای این مکان روی می‌دهد. من سعی کردم در این نمایش در عین رعایت کردن یک تیم مشترک در تمام شهر، آدم‌هایی با قشرهای مختلف را نشان بدهم.
مسأله‌ای که تمام نمایشهای من را به هم ربط می‌دهد و به نظر من مهم است تنهایی آدم‌هاست.

چرا در این جشنواره شرکت کردید؟

جشنواره فرصت خوبی است برای ارائه نمایش که در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد و من از این فرصت استفاده کردم. گذشته از این روند رو به رشد جشنواره باعث شده تا حتی کسانی که با نظر منفی به این موضوع نگاه می‌کنند از آن استفاده کنند.

شما جشنواره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

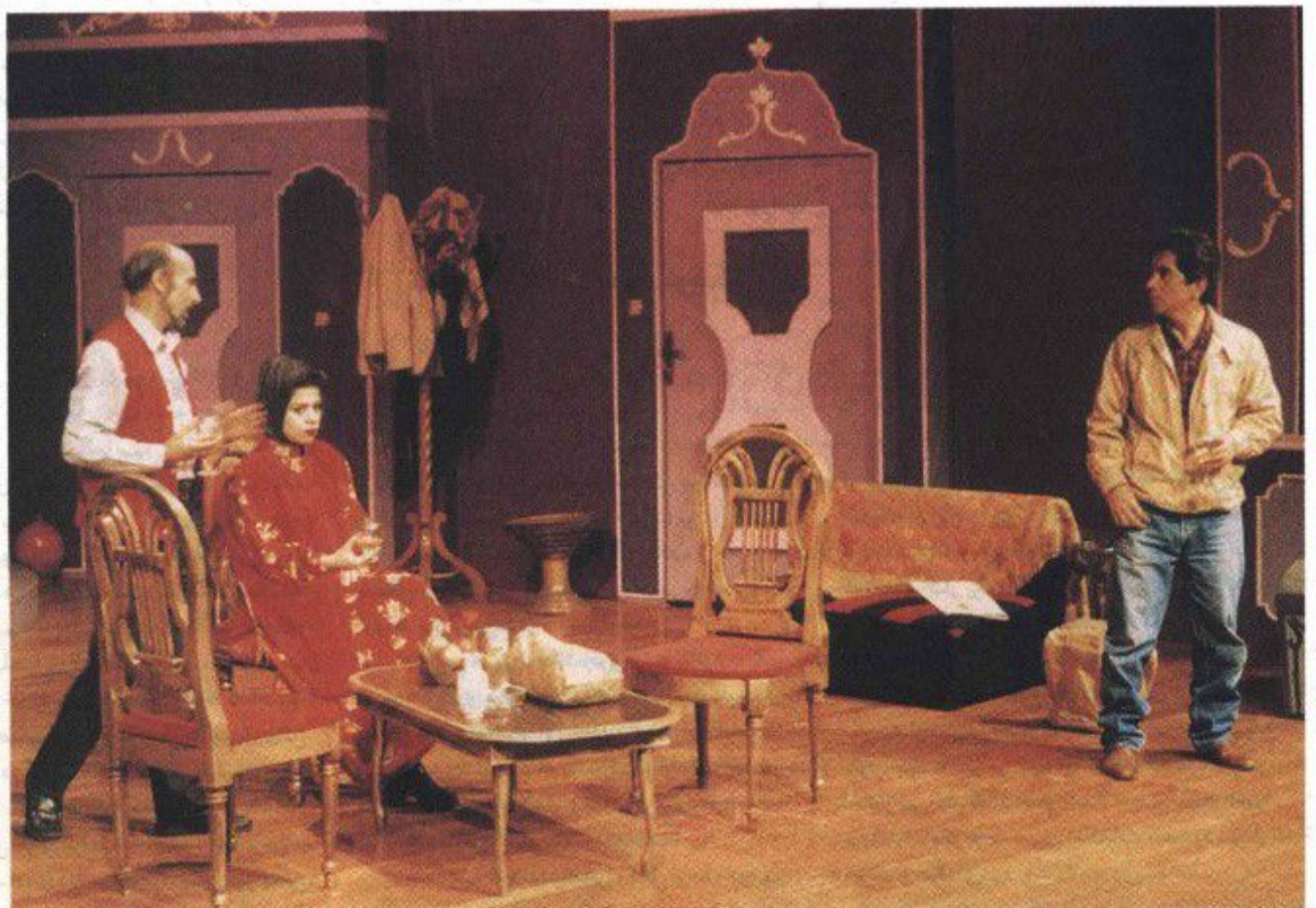
نفس جشنواره - بدون در نظر گرفتن دستاوردهای آن - محل بسیار خوبی برای عرضه نمایش و مقایسه و نتیجه‌گیری است. اما متأسفانه امسال نیز مانند سالهای گذشته از لحاظ اجرایی مشکلات بسیاری دارد بعضی از این مشکلات شاید بخاطر این است که در جشنواره سیاست ثابتی وجود ندارد و هر دوره بجای اصلاح روشهای اشتباه گذشته به تدوین روشهای جدیدی دست می‌زنند که در نتیجه بی‌نظمی را دوجندان می‌کند.

فکر می‌کنید امسال هم برنده جایزه بهترین کارگردان شوید؟

واقعاً در این مورد نمی‌توانم نظر بدهم چون حتی سال گذشته هم این اتفاق برای من بسیار شگفت‌انگیز بود. امسال هم از نمایش راضی هستم اما هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست. ولی اصولاً من به کار برتر اعتقاد ندارم. به نظر من این مهم است که ما بتوانیم ۱۰ کار منحصر بفرد در جشنواره هر سال داشته باشیم و من هم امیدوارم، نمایشم منحصر بفرد باشد.

جشنواره تئاتر فجر تا چه حد می‌تواند در رشد تئاتر کشور مؤثر باشد؟

مهمترین عنصر در جشنواره دقت در نمایشهای انتخاب شده در همه سطوح نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی، بازیگری و... است. درباره کارگردانی و بازیگری - با اغماض - می‌توان گفت ما کمتر مشکل داریم، اما اشکال اساسی در نمایشنامه‌نویسی است. اصولاً در جشنواره باید حساسیت وجود داشته باشد، حساسیت کیفی نه حساسیت آماری. اما ظاهراً این مطلب وجود ندارد. چون ما می‌بینیم که بعضی از آثار فقط بخاطر نامها در جشنواره راه می‌یابند، بدون توجه به کیفیت آنها.



چرا سینما را به «تئاتر» ترجیح می دهند...

با آغاز قرن بیستم، در حالی که چندین دهه از انقلاب صنعتی در اروپا سپری شده است، رعیت ایران هنوز در پنجه خونین استبداد و عقب ماندگی گرفتار است و هنوز مجبور است سلطان را سایه خدا روی زمین بداند، با این حال تفکر مشروطه خواهی و لیبرالی همزمان با آغاز فعالیت های آزادیخواهانه، به تدریج اوج می گیرد و ریشه های عمیق این تفکر در نت های نمایشی رفته رفته به منصفی ظهور می رسد. اجرای تعزیه، نمایشنامه های ادبی و حتی کوچه بازاری رفته رفته با گرایش های سیاسی تلفیق شده و جماعت هنرمند با آگاهی از ارتباط عمیق این هنر با فرهنگ و شعور سیاسی مردم خود، جریان های عینی جامعه را در قالب نمایش بروز می دهند.

تئاتر در دوران پرفراز و نشیب خود در ایران، نقاط اوج و حضیض را پشت سرگذاشته و با فرهنگ آمیخته گشته است اما سیاست گذارهای سیاستمداران و حلقه های واحد هنرمندان گاه گاه از هم گسسته و متفرق گشته است، موجب شده تا این هنر با گذشت چندین دهه هنوز در غباری از غربت، به دور از جایگاه و سرچشمه واقعی اش یعنی مردم و فرهنگ مردمی به حیات ادامه دهد. تئاتر امروزه برخلاف سینما که یک وسیله تفریحی، عامه پسند، در دسترس و ارزان به شمار می رود، یک هنر ناشناخته و غیرعامه پسند به شمار می رود که جز شمار اندکی، کمتر مورد توجه اقشار مختلف جامعه بوده است.

در گفتگو با چند تن از مردم کارشناسان تئاتر بر آن شدیم تا علت گرایش بیشتر مردم به سینما را مورد بحث قرار دهیم تا بدانیم «چرا مردم به سینما بیش از تئاتر علاقه دارند؟» کاملیا پرتوی، ۲۵ ساله: مردم با تئاتر کمتر آشنا هستند و این عدم آشنایی به خاطر محتوای سنگین و غیرعامه پسند تئاتر و همچنین عدم آرایه تبلیغات صحیح درباره تئاتر است، در حالی که جذابیت این هنر از سینما بیشتر است و تماشاگر ارتباط نزدیکی با بازیگران برقرار می کند اما گویا همه چیز دست به دست هم داده تا این هنر هنوز ناشناخته باقی بماند.

علی انصاری، ۲۷ ساله و معلم:

شاید اجرای محدود تئاتر موجب شده تا این هنر کمتر مورد توجه قرار گیرد، یعنی ساعات خاص و دیر هنگام که اغلب ساعت ۶ و ۸ شب برای اجرای تئاتر در نظر گرفته می شود، خستگی کار، محدودیت رفت و آمد از سوی خاندانها و عدم تبلیغات درست در مورد کارها موجب می شود عملاً فرصت کمتری برای دیدن یک نمایش به دست بیاید از طرف دیگر هیچکس تا قبل از دیدن یک تئاتر نمی تواند اطلاعاتی در مورد آن اعم از داستان، بازیگران و مکانهای اجرا به دست بیاورد، همه این عوامل دست به دست هم می دهند تا حتی قشر جوان و روشنفکر جامعه نیز کمتر موفق به دیدن نمایش مورد علاقه خود شوند. هایده احمدی، ۳۰ ساله و کارمند:

آخرین تئاتری که دیدم عشق آباد کار داود میرباقری بود. از

بسیاری از آثار سینمایی برابری می کند. گسترش فرهنگ تئاتر از سیاستهایی است که در خطمشی های ما به شدت دنبال می شود. اما بهای این هنر در قبال هزینه های ساخت و تدارک یک تئاتر، در کشور ما بسیار ارزان است به خصوص آنکه ما در یک سالن بیش از یک یا دو اجرا نمی توانیم داشته باشیم در حالی که سینما می تواند حداقل ۸ تا ۱۰ سانس فیلم را در یک روز نمایش دهد.

مهین اسکویی کارگردان و بازیگر قدیمی تئاتر:

تئاتر ما با ریشه های فرهنگی ما ارتباط مستقیم دارد. ما در تئاتر نتیجه یک کار هنری را نمایش نمی دهیم بلکه جریان یک کار هنری را نمایش می دهیم به همین علت جز افراد توانا، دیگران در انجام این مهم ناتوانند این در حالی است که هنرمندان واقعی ما الان خانه نشین هستند و به بیان اصلی از این هنر کنار گذاشته شده اند. هنر تئاتر درست مانند لبه شمشیری است که یک لبه آن به فساد منتهی می شود و لبه دیگر آن به فرهنگ عمیق، این در حالی است که ما شاهد هستیم از تئاتر و هنرمندان واقعی رگه های ضعیفی برجا مانده است. امروزه ما شنونده لحن کثیف گفتار از بعضی هنرمندان تئاتر هستیم در حالی که تئاتر از فرهنگ ریشه گرفته و وظیفه اش آموزش است. تئاتر ما این روزها جایسی است که کودکانی که در آن مشغول کار هستند. در حالی که مدارج عالی تئاتر بایستی پله پله طی شود و یک هنرمند تئاتر بایستی از سواد تئاتری برخوردار باشد، البته درک تئاتر در دست اغلب این هنرمندان است اما سواد تئاتر... خیر...

پس اگر مردم کمتر به تئاتر می روند، اگر مردم با تئاتر قهر کرده اند به خاطر این است که آب از سرچشمه گل آلود است، وقتی بودجه تعیین شده از سوی دولت برای تئاتر، صرف امور غیرفرهنگی شود، نمی توان توقعی غیر از این داشت که هم تئاتر از بین برود و هم تماشاگر از تئاتر بگریزد.

افسانه حیان کارگردان تئاتر:

دوری مردم از تئاتر یک ریشه عمیق دارد که محدود به سالهای اخیر نمی شود و در واقع به ذهنیت قبلی مردم به تئاتر و شناخت آنها از تئاتر برمی گردد. عدم شناخت مردم از تئاتر به علت عدم آرایه الگوهای درست و کامل از سوی مسئولان برای تئاتر است. در زمانی که اساتیدی چون دکتر رفیعی، سمندریان و... اجازه فعالیت ندارند، پس نباید انتظار داشت کار خوبی هم به روی صحنه برود. اوج تئاتر در کشور ما دهه چهل و نیز اوایل انقلاب بوده که هرگز در تاریخ این هنر تکرار نشده است. از این زمان به بعد ارتباط مردم با تئاتر قطع شده و این دو نسبت به هم بیگانه شده اند گرچه اخیراً شاهد توجه بیشتر مسئولان به این هنر هستیم اما هنوز کافی نیست هنوز در کشور ما حتی از سوی مسئولان به سینما و جشنواره های سینمایی اهمیت بیشتری داده می شود و حتی در محدوده سینما، سینمای تجاری بیش از سینمای کیارستمی یا بیضایی مورد توجه و توفیق بوده است، جایگاه تئاتر که در این میان روشن است. زهرا حاج محمدی



اردشیا -

تکنولوژی نوینی است که ریشه در صنعت دارد اما این تکنولوژی می تواند از هر لحظه و هر مکان امکان نمایش را فراهم سازد بی آنکه به حضور هنرمند نیازی باشد- همان امکان تکثیر و کپی- پس طبیعی است که در یک روز امکان ۸ بار نمایش برای یک فیلم وجود داشته باشد در حالی که تئاتر فاقد این قابلیت است. از سوی دیگر، متأسفانه در سالهای اخیر، گستردگی تبلیغاتی سینما به مراتب بیشتر از دیگر هنرها و از جمله هنر تئاتر بوده است، پس ما هرگز زمینه گسترش این هنر را نداشته ایم و البته هم اکنون ما در صدد ایجاد و احیاء فرهنگ تئاتر هستیم و در نظر داریم تا اگر حتی مردم از تئاتر گریزان شده اند، این هنر را به میان مردم ببریم و با اجرای نمایش های خیابانی باز هم مردم را با تئاتر آشتی دهیم این فعالیتی است که از دو سه سال اخیر آغاز شده و هنوز هم تداوم دارد. از سوی دیگر در یک سال اخیر شاهد افزایش شمار تماشاگران تئاتری بوده ایم که گاه با

خود را در تئاتر جاری ببینند به همین علت است که اغلب قشر خاص و گاه روشنفکر به این هنر علاقه مند شده اند و دیگر مردم با آن فاصله گرفته اند، گرچه بعد از دوم خرداد، اغلب آدم های حرفه ای دوباره کار را از سر گرفتند اما هنوز کافی نیست و ما نیاز به نمایشنامه های خوبی داریم تا بتوانیم مردم را با این هنر آشتی دهیم. عدم تبلیغات درست و کافی، بهای بلیت، عدم برخورداری از متون خوب و قابل فهم نمایشی، مشکلات و گرفتاریهای روزمره، محدودیت زمانی و مکانی از جمله مهمترین دلایلی است که از سوی اغلب تماشاگران و مخاطبان تئاتر در زمان ما مطرح می شود اما برخی از کارشناسان تئاتر نیز معتقدند:

اردشیر صالح پور، مدیر اجرایی جشنواره تئاتر و مدرس تئاتر: تئاتر خود یک هنر کامل و مادر است که ریشه در اعتقادات و فرهنگ مردم دارد. تئاتر از دل مردم برخاسته است. درحالی که سینما

خوب بهتر از سینماست چون در روی صحنه تماشاگر شاهد جریان یک زندگی به طور زنده است. مهدی صفوی، ۳۰ ساله و برنامه ساز تلویزیون: مهمترین مشکل تئاتر تبلیغات محدود و نارسای آن است. سینما به خاطر داشتن تبلیغات گسترده تلویزیونی، تبلیغ با پوستر و عکس و... همیشه مورد توجه بوده است در حالی که هرگز دیده نشده که تبلیغات تلویزیونی درباره یک نمایش انجام شود بلکه اطلاعات مربوط به تئاتر اغلب محله ای و توسط نزدیکان و دوستان انجام می شود. فاطمه مشفق، ۲۷ ساله و خبرنگار:

بعد از انقلاب اغلب نمایشنامه هایی که روی صحنه رفته مدرن یا دارای مضامین سنگینی بوده که نتوانسته با مردم ارتباط برقرار کند و البته نمایشنامه های توأم با حرکات موزون نیز درصد قابل توجهی از این آثار را به خود اختصاص داده است. پس هرگز مردم نتوانسته اند زندگی

نمایش خوشم آمد و دوست داشتم تا باز هم آن را ببینم اما هرگز فرصت نکردم ضمن آنکه بهای بلیت هم چندان ارزان نبود و نیست. رقم پانصد یا هفتصد تومان حتماً برای یک هنرمند که کار زنده ای را روی صحنه می برد مبلغ بسیار کمی است اما برای من کارمند مبلغ خیلی کمی نیست اما اینکه چرا از سال گذشته به تئاتر نرفته ام به این علت است که فکر نمی کنم نمایش های خوبی روی صحنه رفته باشد از طرفی اطلاعاتی در مورد نمایشها، داستان آنها و زمان اجرای آنها ندارم مگر اینکه اطلاعاتی از دوستان و نزدیکانم به دست آورم. مریم زمانی، ۳۵ ساله و مترجم:

به نظرم تئاتر جذابتر از سینما است اما امکانات تئاتر بسیار محدود است و قدرت فضا سازی کمتری دارد. تنها عاملی که تئاتر را جذاب می کند اجرای زنده آن است که موجب می شود هر لحظه اتفاقی را در آن جستجو کنی و از نزدیک وقایع را حس کنی و البته یک تئاتر

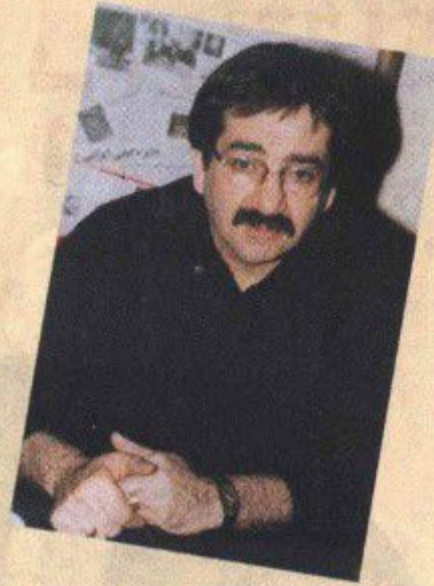
امروز با جشنواره

- تالار وحدت: ساعت ۱۸/۳۰، بهرام چوبینه، خارجی (عیسی عبدالرشیداف - تاجیکستان).
- تالار اصلی تئاتر شهر: ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، سیاوش خوانی، ویژه (امیر دژاکام - تهران).
- تالار چهارسو: ۱۷ و ۱۹، نیلوفر آبی، مسابقه (حمید امجد - تهران).
- تالار سایه: ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، مجلس نامه، مسابقه (محمد رحمانیان - تهران).
- تالار شماره ۲ تئاتر شهر: ۱۷/۳۰، ۱۹، حکایت مطربان این دیار، (رحمان سیفی آزاد - تهران).
- تالار سنگلج: ساعت ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، رؤیای نیمه شب، مسابقه (ناصر کوشان - اصفهان).
- تالار مولوی: ساعت ۱۶ و ۱۸، شکارگاه ممنوع، مسابقه (نادر برهانی مرند - تهران).
- تالار فارابی: ساعت ۱۷ و ۱۸/۳۰، رکوتیم، مسابقه (پردیس افکاری - تهران).
- تالار هنر: ۱۷/۳۰، نگین، جشنواره جشنواره‌ها (مشهد).
- تالار میراث فرهنگی: ساعت ۱۹، مجلس نامه، مسابقه (محمد رحمانیان).
- تالار مجموعه آزادی: ساعت ۱۷/۳۰، رؤیای یک نیمه شب تابستان، ویژه (کریمی حکاک - تهران).
- تالار قشقایی: ساعت ۱۶ تا ۲۲، نقالی.

فردا با جشنواره

- تالار وحدت: ساعت ۱۸/۳۰، بهرام چوبینه، خارجی (عیسی عبدالرشیداف - تاجیکستان).
- تالار اصلی تئاتر شهر: ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، سیاوش خوانی، ویژه (امیر دژاکام - تهران).
- تالار چهارسو: ۱۷ و ۱۹، تبار خون، ویژه (آتیلا پسیانی - تهران).
- تالار سایه: ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، مجلس نامه، مسابقه (محمد رحمانیان - تهران).
- تالار شماره ۲ تئاتر شهر: ۱۷/۳۰، ۱۹، شب بارانی، ویژه (خسرو شجاع زاده - تهران).
- تالار سنگلج: ساعت ۱۷/۳۰، ۱۹/۳۰، مرگ کیکاس خارجی (سامسون استپانیان - ارمنستان).
- تالار مولوی: ساعت ۱۶ و ۱۸، آینه توی سقف، مسابقه (کوروش زارعی - قم).
- تالار فارابی: ساعت ۱۷ و ۱۸/۳۰، گاو مرد، مسابقه (علیرضا ارجوئی - زاهدان).
- تالار هنر: ۱۷/۳۰، آخرین بازی، جشنواره جشنواره‌ها (مشهد).
- تالار میراث فرهنگی: ساعت ۱۹، آقای توپاز (محمودرضا رحیمی - تهران).
- تالار مجموعه آزادی: ساعت ۱۷/۳۰، رؤیای یک نیمه شب تابستان، ویژه (کریمی حکاک - تهران).
- تالار قشقایی: ساعت ۱۶ تا ۲۲، مراسم آیینی تمنای باران.

گفت و گوی خبرنگاران با گروه تئاتری آلمان



گفت: بازیگر روی صحنه مثل یک پادشاه عمل می کند یک پادشاه باهوش اما ساکت. او حرف نمی زند اما به هیچ کس حتی کارگردان اجازه نمی دهد که آزادی او را سلب کند و نتیجه کار آن می شود که هر یک از بازیگران از آزادی های خود استفاده کرده و یک داستان را به شکل واقعی روی صحنه می برند تا آنجا که به دل تماشاگر می نشیند.

در این گردهمایی همچنین مقاله ای از «کلاوس وایزه» توسط محمدعلی بهبودی قرائت شد. او در مقاله خود از تئاتر به عنوان یک واقعه یاد کرده و معتقد است: تئاتر واقعه ای است که همیشه در زمان حال و فقط برای یک شب اتفاق می افتد و گذرترین هنرها در عالم هنر بوده و خواهد بود.

وایزه با اشاره به تاریخچه تئاتر در آلمان می گوید: تئاتر اجتماعی و آموزشی آلمان از زمان تأسیس حکومت بیسمارک در سال ۱۸۷۱ آغاز شده و از آن زمان تاکنون ادامه یافته و از استحکام بیشتری برخوردار شده است.

مشترک تئاتر در میان ملل مختلف متذکر شد: این زبان مشترک تنها بر پایه کلمات سخت و در واقع این کلمات نیستند که بین تماشاگر و بازیگر ارتباط برقرار می کنند بلکه حس غالبی بر فضای نمایش و کار بازیگر است که با احساس تماشاگر درآمیخته شده و او را با خود همراه می کند.

او کاربرد زبانهای متفاوت را در یک نمایش واحد، موجب معرفی تمدن ها و فرهنگهای مختلف با یکدیگر دانسته و گفت: به عنوان مثال اگر در نمایش «رایسنسون کروژنه» من آلمانی و آقای بهبودی، فارسی صحبت می کرد، گرچه به ظاهر زبان یکدیگر را نمی فهمیدند اما نیاز و احساس یکدیگر را درک می کردند و این حس حتی شامل حال تماشاگر هم می شد به گونه ای که ما می توانستیم یک ایرانی را در آلمان و یک آلمانی را در ایران معرفی نماییم و همین جاست که برخورد فرهنگها به وجود می آید و نشان می دهد که در پشت چهره فرهنگها، آدم هایی هستند که خیلی شبیه به یکدیگرند.

بداهه از دیگر موضوعاتی بود که در این نشست مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. «بروک» در این زمینه

محمدعلی بهبودی و «آلبرت بروک» در یک نشست مطبوعاتی با خبرنگاران، دانشجویان و مدرسین تئاتر کشورمان ضمن ابراز خرسندی از شرکت گروه تئاتری «اوبر هازون» آلمان در هفدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، به تشریح تاریخچه تئاتر در آلمان پرداختند.

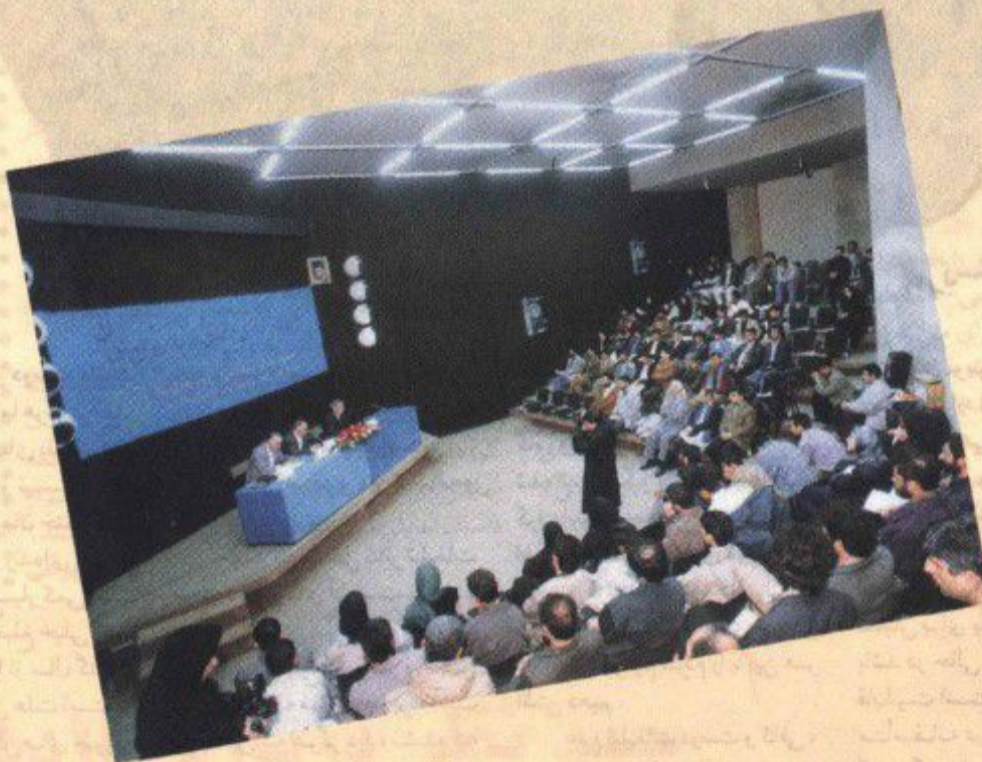
بهبودی با اشاره به ارتباط فرم و محتوا در نمایش، گفت: در آلمان چیزی به عنوان فرم اجرایی به مفهوم مطلق وجود ندارد و تئاتر در واقع هنری است که در برخورد با زندگی روزمره آدمها شکل گرفته و با اختصاص عناصری از جمله زمان و شخص تعریف بازتر و عینی تری می یابند.

این بازیگر ایرانی الاصل با اشاره به جایگاه غنی تئاتر در مبادله فرهنگها، افزود: در تئاتر است که گفتگوی فرهنگها معنا و مفهوم پیدا می کند و به لحاظ این دیدگاه و تأثیرپذیری تئاتر در قاره ها و ملل متفاوت از یکدیگر، دیدگاههای جدیدی مطرح می شوند که موجبات نزدیکی افراد بشری را فراهم می کنند.

«آلبرت بروک» نیز با اشاره به استفاده از زبان

گردهمایی پژوهشی

«دریچه ای به تئاتر نوین جهان»



معماری تئاتر، هنر ایجاز در تئاتر نوین، تنگناهای درام نویسی، رمزگشایی جادوی جان بخشی در تئاتر اشیا، خلاقیت گروهی در تئاتر نوین، چهار گرایش کارگردانی در تئاتر نوین، کشف نمایش شرق در عرصه های تئاتر نوین، جوهره تئاتر با عنوان اقتباس، اجرای مدرن از آثار کلاسیک، جایگاه تئاتر خیابانی در تئاتر نوین، صحنه پردازی در تئاتر نوین، مفهوم دراماتولوژی، نقش ماسک در کمیدی آدلارته، معضل تطابق با تئاتر نوین و آخرین سخنرانی با عنوان پایان قرن سرآغاز شناخت تئاتر نوین خواهد بود.

در آخرین روز گردهمایی روبرتو چولی درباره شیوه کارگردانی خود صحبت می کند.

همزمان با برگزاری جشنواره تئاتر فجر، گردهمایی پژوهشی با عنوان «دریچه ای به تئاتر نوین جهان» از سوم تا چهاردهم بهمن ماه از ساعت ده صبح تا یک بعدازظهر در تالار موزه فرش برگزار می شود.

در این گردهمایی اساتید ایرانی خانم دکتر مژده و خانم نجم، صابری، زاهدی و آقایان دکتر خاکس، رفیعی، آیش، شادروان، خورشیدی، سمندریان، نصیریان و مودیان سخنرانی خواهند داشت.

هم چنین مهمانان خارجی در کنار شرکت در گفتگوهای مطبوعاتی، درباره تئاتر کشور خود نیز سخنرانی خواهند کرد.

موضوعاتی که برای سخنرانی در نظر گرفته شده عبارتند از: گفتگوی تمدن ها، مدیریت تئاتر،

چند نظر

درباره یک نمایش خیابانی

- نام نمایش: ضرب المثل های معروف
- حسن شاه حسینی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت: به نوعی از ساده ترین تا پیچیده ترین رفتارها، کنش ها و واکنشهایی که بین انسانها اتفاق می افتد مطرح شده بود و در نهایت اعمال زشت و ناپسند افرادی را روی صحنه برده بود که با ظاهر سازی و پنهان کردن اصل ذات خود در پشت یک تصویر زیبا سعی بر فریب همسویان خود دارند. نحوه اجرا خوب بود، اگرچه باید در نمایش های خیابانی ترفندهایی به کار بست که تماشاگر عامه را به خود جلب کند.
- مصطفی رهبر، کارمند بیمه: کار مفیدی بود باتوجه به این کار مفهومی بود و با تمامی مشکلاتی که کارهای خیابانی دارند توانسته بود ارتباط لازم را با بازیگر برقرار کند، الگوها و نمادها قابل فهم و در مجموع کار موفقی بود.
- غزاله نادریان، بازیگر: کار خیلی خوبی بود، فکر می کنم این کار احتیاج به درک بالا دارد و جای یک بازیگر زن در صحنه خالی بود، همچنین بازیگر مردی که صحبت می کرد بیش از اندازه می خندید.
- سمیرا صدیقی، بازیگر: طنز خوبی بود و با تماشاگر ارتباط لازم را برقرار کرد و متن نمایش بیشتر اجتماعی بود.
- فرشید تمری، نویسنده و کارگردان: در ارتباط برقرار کردن با تماشاگر دچار مشکل بود، همانطوری که می دانید تئاتر خیابانی باید تماشاگران را وادار به تماشای تئاتر کند اما نباید باعث برقرار کردن ارتباط نامتعارف بازیگر با تماشاگر شود، یعنی تماشاگر برای بازیگر خط مشی قرار گیرد.
- ابراهیم گودرزی، شغل آزاد: فکر می کنم بیشتر برای نسل جدید مناسب بود و اجرای خوبی داشت ولی اگر تعداد سالنها را بیشتر کنند و همه نمایش ها را در سالنها اجرا کنند بهتر است، اجرای تئاتر در خیابان صورت خوبی ندارد.

کانون ملی منتقدان هم

جایزه می دهد

کانون ملی منتقدان امسال به آثار برتر جوایزی را اهداء خواهد کرد.

مهرداد رایانی، محمود گبرلو و ابراهیم آبادی بخش ویژه جشنواره و رحمت امینی، بهزاد صدیقی و محمدحسین ناصربخت در بخش مسابقه از سوی کانون ملی منتقدان تئاتر به داور تئاترها خواهند پرداخت. کانون ملی منتقدان از سال ۶۷ فعالیت خود را آغاز کرده و هم اکنون دارای ۳۵ عضو است.

گفتنی است جلسات نقد و بررسی تئاترهای بخش مسابقه هر روز از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در سالن اصلی تئاتر شهر برگزار می شود.